

مفهوم آزادی و آزادگی در فرهنگ ایران

مفهوم « آزادی » و « آزادگی » در فرهنگ ایران ، از کجا سرچشمه میگیرد ؟ مفهوم آزادی و آزادگی ، در فرهنگ ایران ، جمع‌بندی و ترکیب (سنتز) سه برآیندِ جدا ناپذیر از همدند . در آزادی و آزادگی، 1- جوانمردی (رادی = ارتائی) 2- اصالت (از خود بودن یا قائم بالذات بودن) و 3- حریت (سرچشمه تعیین غایت خود بودن، به خود، اندازه و صورت دادن)، با هم یک وحدت تشکیل میدهند . این اصطلاح ، در اصل نام هما (هومای) است . هما ، خدائیسست که خودش در خود افشانی ، نخستین عنصر جان هرانسانی میشود . هما ، « چهر آزاد » ، یا « آزاد چهره » خوانده میشود . هما ، که بود ؟

هما ، تخمی بود که بر فراز درخت زمان میروئید . زمان ، درختی است که از آن سی شاخه (سی خدا) میروید . همای چهر آزاد، تخمیسست (چیتره = چهره) که بر فراز (چکاد، کات) این درخت ، میروید . از این رو aa-caat-chihrak آکات چهرک نامیده میشود که سپس « آزادچهره یا چهر آزاد یا شهرزاد » خوانده شده است . واژه و محتویات « آزاد و آزادی » در فرهنگ ایران ، از همین ویژگی گوهری این خدا، که خودش تخم همه انسانها هست سرچشمه گرفته است، و « آ- کات »، تبدیل به « آزاد » شده است . نام دیگر این خدا که همان « ارتا » باشد، « هو- چیتره » ، یا « تخم نیک » است . همه تخمه های خوشه فراز این درخت زمان ، تخمه ها و بزرها و دانه های همگوهر این خدایند . سه روز پایان هر ماهی (رام + مرسپنتا + روزبه یا بهرام) که اینهمانی با سه برج پایانی ماه دارند، و فراز درخت زمان

وزندگی هستند ، « سه کهت = سه کت = سه کات = چکاد » خوانده میشوند که باهم، یک کات = کت = کد هستند . این تخم (کت = کد = گت ، گات) که بر فراز درخت زمان هست ، اصل آفرینندگی جهان و زمان و انسان هست . تخمهای خوشه خدا (ارتای خوشه = ارتا واهیش) هستند که در افشاندن شدن ، نخستین عنصر هر جانی و هر انسانی میشوند . جان هر انسانی که « تخم آتش » خوانده میشود ، تخم همین خدا (هم = ارتا) هست . همین کات و کد و کده است که ما امروز فقط به معنای « خانه » بکار میبریم . این تخم هست که در فرو افشاندن شدن ، بُن آفرینش تازه و نوین میگردد . از آنجا که لغت نویسان ، این پیشینه را فراموش ساخته اند ، نمیتوانند باور کنند که « کد یا کت » ، معنای نخست و اول و بُن راهم دارد . « کد خدا » ، تنها به معنای « خانه خدا » نیست ، بلکه به معنای « خدای آغازگرو نوآور ، یا کسی که اصالت دارد » هم هست . این « تخم در فراز » هست که « بُن تازه آفرینندگی » میشود و راه و در آفرینش تازه را میگشاید و خویش را در گسترش ، میافشاند . « دانشکده » نیز ، تنها به معنای « خانه دانش » نیست ، بلکه به معنای « آغازگردانش و سرچشمه دانش » نیز هست . کده ، و کد ، به « کلیدان در » نیز گفته میشود ، چون دولنگه (بر) در را باهم جفت میکند و از آنها یک در میسازد . در فرهنگ ایران ، در ، معنای خانه راهم دارد . از این گذشته « در » در اصل به معنای « تخم » است ، و به « در » هم « در » میگویند ، چون یکی از پیکریابیهای اندیشه تخم است . هر تخم و دانه ای در گوهرش ، دوقلوی به هم چسبیده است و از این رو ، اصل آفرینندگیست . بدین علت در سغدی واژه « dvar » که همان واژه « در » باشد ، به معنای « بخشیدن و هدیه دادن » است . بنا بر این به خوبی دیده میشود که کت یا کد یا کات یا آکات یا آزاد ، سنتز پدیده های 1- خود افشانی 2- در آغازگری و نو

آوری 3- برشالوده قائم بالذات بودن خود (اصالت) هست . هما یا ارتا که « آزاد چهره » یعنی ، « تخم آزادی » است ، بُنِ آغازگری و نوآوری و « درگشائی و راهگشائی » درهر انسانی هست . این اصالتِ گوهری هر انسانی هست . « آزاد بودن » ، به معنای « آکات بودن » است که در اصل به معنای « یکتاشوی سه خدای رام + مراسفند + بهرام » است . این مراسفند که اصل پیوند دادن رام با بهرامست ، « رند آفریت » و « کلندر = قلندر » است ، که طبعاً ، « اصل آزادی و جوانمردی و اصالت » میباشد .

عاشق ورنند و نظربازم ومیگویم فاش
تا بدانی که به چندین هنر آراسته ام حافظ
نه درمسجد گذارندم که رند است
نه درمیخانه ، کین خمار ، خامست عطار
گرچه امام دین بُدم تا که به دیر درشدم
در بُن دیر ، خویش را ، رند زمانه یافتم عطار
برکسم ، هیچ حسد نیست ، خدامیداند
جزبران رند ، که افتاده بود مست و خراب عبید زاکان